

موسیقی در ایران و چین

از علیقلی اعتماد مقدم

اگر چندین قرن به عقب برگردیم برای ما خیلی دشوار خواهد بود که بتوانیم نشان دهیم که سرزمین ایرانی زبانان تا کجا از سرزمین چین اصلی جدا میشود. آثاری که در این پنجاه ساله اخیر در تورفان و توئن هانگ پیدا شده که از جمله چندین هزار نسخه خطی نامه های دینی و ادبی و هنری و علمی میباشد روشنائی خیره کننده ای بر محققین تاریخ تمدن می افکند که هم چگونگی مردم این سرزمین را نشان میدهد و هم تاریخ تمدن ایران را روشن تر می نماید. با آنکه مقدار زیادی از این آثار هنوز چاپ و منتشر نشده ولی همین اندازه ای که در دست است بخودی خود برای اهمیت چنین فرهنگی کفایت می کند. در تاریخ اکتشافات و کاوشها تا کنون چنین پیشینه ای دیده نشده است. جزء بسیار کمی از این آثار که در آن تحقیق و دقت شده تا نه قرن پیش از میلاد قدمت دارد. آثار جدیدتری که از سه قرن پیش از میلاد به بعد است و مربوط به آیین مهر و کیش ماننی میباشد نیز در میان این آثار دیده میشود.

از روزگاران بسیار کهن میان دو سرزمین پهناور و آباد ایران و چین بستگی نزدیک فرهنگی دیده میشود. از کوهستان پامیر که در قسمت شرقی فلات ایران است رودخانه بزرگی سرازیر میشود و بطرف مشرق میرود. حوضه این رودخانه خیلی وسیع است و سرزمین پهناوری را سیراب میکند. مردمان این سرزمین با اهالی شمالی پنجاب و پامیر و با ایرانیان شمالی سفد و مشرقی غورستان همگونه بستگی داشته اند. در همین جا است که روزگاری یکی از بزرگترین کانون های فرهنگی نژاد ایرانی بوده است. نام برخی از شهرهای آن همانطور که در قدیم بود و در ادبیات فارسی ذکر شده هنوز

هم هست. هر کس که به ادبیات فارسی آشنائی داشته باشد بی گفتگو نام «چگل»
«ختن»، «ختا» و همچنین «افسوس» را شنیده است. اکنون چون
موضوع این مقاله درباره موسیقی است بمناسبت موقعیتی که سرزمین کوچا
که یکی از نواحی این حوضه می باشد داشته و نقشی را که از راه موسیقی
در کشور چین انجام داده بذکر آن می پردازیم.

سرزمین کوچا در جایگاهی افتاده که در مشرق مرزش زبان چینی و
از خود آن شهر گرفته بسوی مغرب زبان ایرانی با گویش های گوناگون
حرف میزدند. زمانی که یکی از پادشاهان چین سرزمین کوچا را ویران
کرد (قرن چهارم میلادی) دسته رامشگران (ارکستر) آنجا را با خود
برد ولی پس از او آن دسته پراکنده شدند. سپس پادشاهان دیگری آمدند
و آن رامشگران را گرد آوردند و این موسیقی تغییرات بزرگی در موسیقی
چین پدید آورد. در اواخر قرن ششم در جشن زناشوئی یکی از پادشاهان
چین موسیقی دانانی را از سرزمین کوچا آوردند. پس از آن در حدود قرن
هفتم سه دسته رامشگران کوچائی وجود داشت که باهمدیگر اختلاف داشتند
و اشراف و مردم چین باندازه ای از این موسیقی ها لذت می بردند که پادشاه
فرمانی صادر کرد و شنیدن آن را ناروا دانست. اما نتیجه ای از فرمان گرفته
نشد و مردم بیشتر دلبستگی بآن نشان دادند. جانشین آن پادشاه با توجه
خاصی بآن پرداخت و به سه موسیقی دان خود دستور داد که آهنگ های
این دستگاه را که گسرد آوری شده بود بسازد. این دسته رامشگران به
اندازه ای چابک و زبردست بودند که با کمترین ورزشی می توانستند پس از
یکبار شنیدن آهنگی آنرا بنوازند. با این رامشگران چهاررقاص همکاری
می کردند. یکی از این رقص ها بنام رقص پنج شیر بود که خیلی از مردم را
فریفته خود کرده بود و با آواز دسته جمعی مردمان کوچائی همراه بود.
این رقص یا «آواز آشتی جهانی» در اواخر قرن ششم در هنگام فیروزی یکی
از پادشاهان چین بردیگری ساخته شد. هر يك از شیرها را اینگونه ساخته
بودند که بلندی آن به سه گزمی رسید و دوازده مرد در لای آن پنهان میشدند
و روپوش آن از پوست های بهم دوخته ساخته شده بود. دو مرد هم بودند که با
يك طناب و يك مگس پران ورزشهای این درندگان دروغین را اداره می-
کردند. رنگ هر شیری سوار دیگری بود و چهار جهت اصلی را نشان میدادند.
روپهمرفته یکصد و چهل رقص در این نمایش همکاری میکردند.

در اواخر قرن ششم هفت دسته رامشگران بودند که ششمین آنها

رامشگران کوچا بودند که پس از رامشگران هند و بخارا و پیش از رامشگران
مختلط کاشغر و سمرقند و کامبوج و ژاپن بودند .

در آغاز قرن هفتم یکی از پادشاهان چین دودسته دیگری بر آنها افزود
و شماره آنها به نه رسید .

در آخر قرن دهم رامشگران کوچا دو آهنگ خوش با آلت های
باستانی خود زدند . این دسته در فهرست کارهای خود بیست آهنگ داشتند
که سیاهه آنها در دست است : ۱

سرود ده هزار ساله - بند پنهان - در شب هفتم - دختر باده پیمان -
بیمرگ پاك - پرتاب و زندگی - پرتاب صراحی - ناوك اژدها - خروسان
جنگی - همچشمی گلها - زهی زهی مونی ۲ - پرتو گوهر - برگشت به
کاخ کهن - دوازده ساعت ها - خرسندی بی پایان - پایکوبی - پایکوبی
ایزدك - نمك شولو - گیسوی تافته - خرد بخت یار .

موسیقی دانان کوچائی يك جامعه بخصوصی بتن می کردند . يك دستار
ابریشمین سیاه رنگ بر سرويك جامعه ابریشمین قرمز رنگ با آستین های
قلاپ دوزی برتن و يك شلوار قرمز ابریشمین بر پا می کردند . رقص ها که
چهارتا بودند يك خال قرمز بر پیشانی و يك قبای قرمز برتن و يك شلوار
سفید بر پا و يك دم پرنده بر پشت خود و چکمه چرمی سیاهی به پا داشتند .
دربار پادشاه نسبت بموسیقی دانان کوچائی بی اعتنا نبود و در حدود
اواخر قرن ششم انجمن مخصوصی را گماشت که درباره اندرگاه ها
(Intervalles) بررسی کند . یکی از بزرگان چین یاد بودی فراهم آورد
و به تخت پادشاه پیشکش کرد که گزیده آن چنین است : « همیشه درباره
اندرگاه های موسیقی بررسی کرده و بچستجو پرداخته اند و لیکن هیچکس
از آن سردرنیاورده . (در نیتیه دوم قرن ششم) یکی از مردمان سرزمین
کوچا به چین آمد و باگی تازی قدرتی ساز آهنگها را می نواخت . هنگامی
که باهنگ هایش گوش میدادند درمی یافتند که در فاصله يك گام هفت درجه
هست . چون ازود در این باره پرسیدند پاسخ داد پدرش که در غرب (مقصود
سرزمین ایران است) مشهور بود چنین گفته که پشت اندر پشت با نان آموخته

۱ - چون عنوان این آهنگ ها و سرود ها از چینی بفرانسه و از فرانسه
بفارسى ترجمه شده لهذا بایستی در نظر گرفته شود که در نقل این کلمات میشود
انحرافاتى از معانی اصلی پیدا شده باشد .

۲ - چینی ها به مانی می گویند مونی .

بودند که هفت نوع دستگاہ وجود دارد و اگر این ها با هم سنجیده شود هفت درجه دیده میشود که بطور اسرار آمیزی آنها با یکدیگر دم ساز میباشند . نخستین درجه بنام آواز برابر و دومین بنام آواز کشیده و سومین بنام آواز ساده و راست و چهارمین بنام آواز هماوازی و همچنین بنام آواز هماهنگی دم ساز و ششمین بنام آواز پنجم (Pan - chen) و هفتمین بنام آواز گاو (Hou) می باشد .

در یکی از کتاب ها هنگامی که در باره سرزمین کوچا بحث می کند میگوید که موسیقی دانان آنجا با هنرنوی و گی تار خود جادو کرده و موسیقی دیگران را از یاد می برند .

کوچائیان آواز و خوشگذرانی را دوست دارند و موسیقی از دین آنها جدا ناشدنی است . در کاوش های غارهای توئن ها ننگ قطعه ای پیدا شده که بنام قطعه اشتاین (Stein) معروف گردیده که خلاصه آن اینست : آبی که در نزدیکی پرستشگاه نیلوفر (Lotus) می چکد هر ساله با صدای آن چکه ها آهنگ هائی می سازند ... یکی از این آهنگ ها را با تنبور می نواختند و زدن آن بسیار دشوار بود .

وضع شهر کوچا پس از این تاریخ تا مدت دو قرن تاریک است تا آنکه در حدود هزاره میلادی از نونقش نویسی در تاریخ چین بازی میکند . شاه آنجا را شیر شاه می خواندند و وی نه وزیر دارد . همین امروز مردم کوچائی از نظر موسیقی در مغرب چین کنونی شهرت دارند و بعقیده مردم یار کندی زبان کوچائی خیلی پاک و سخن گوئی آنان با شعر است و کلمه هائی بکار می برند که ما نمیشناسیم

پروژه علمی فرهنگ و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی